

فیلولوژی (زبان‌شناسی تاریخی) زبان آذری (2)

علی اکبر حق پژوه

نکاتی پیرامون زبان سومری (الف)

زبان و تمدن سومریها به عنوان یکی از کهن ترین تمدن های شناخته شده در خاور نزدیک، از جمله مواردی است که از ابتدای پیدا شدن نشتک های میخی سومری، مورد بحث و گفتگو در میان زبان‌شناسان قرار گرفته بود. آنچنان که حتی در ابتدای پیدا شدن آنها چنین اندیشه می شد که آیا زبان این نبشته ها (لوحه ها) زبانی متفاوت از زبان اکدی است؛ یا اینکه روشی رازآمیز برای نوشتارهای اکدی بوده است. اولین بار زبان‌شناس بزرگ «ویسباخ» برای روشن شدن اینکه سومری زبانی جداگانه بوده است؛ کتابی تحت عنوان «مسئله ی سومری» (1898) منتشر نمود (21) با وجود اینکه در نتیجه ی کوشش های دانشمندان باستان شناسی و پاپای آن، رشد دانش زبان شناسی تاریخی به مرور بسیاری از ناشناخته های تمدن و زبان سومری، برای متخصصین فن روشن گردید است، ولی هنوز هم آگاهی ها در رابطه با برخی از مقولات دستوری از جمله ساخت بندی تکواژها (1) اندک می باشد. با همه ی آنها، هنوز هم ادعاهای مختلفی در پیوند زدن زبان سومری با زبانهای زنده ی موجود جهان از سوی افراد و گروههایی مطرح می شود.

در کنار پژوهش های زبان شناسان در مورد منشاء زبان سومری، در چند سال اخیر، نوعی از سومرشناسی که می توان به آن کوشش های عامیانه نام نهاد، شکل گرفته است که طیف های گوناگونی را در بر می گیرد. این ادعاها از سوی دروایدی ها، باسک های اسپانیا، گرجی ها، از مدتها پیش مطرح گردیده اند. موضوع پیوند دادن زبان سومری از سوی سیاسی کاران نو رسیده ای مطرح می گردد که افراد آن جوامع بگونه ای از بعضی بی عدالتی های اجتماعی و انسانی که بر علیه جوامع آنها بکاربرده می شود، رنج می برند و این مشکل به ابزاری برای بهره جستن سردمداران جهان سرمایه تبدیل گردیده است. طبیعی است کشورهای که از منابع غنی هیدروکربور و دیگر ذخیره ها و معدن ها طبیعی بهره مند هستند، بیشتر مورد توجه دولت های سرمایه داری قرار می گیرند. نارسایی های اجتماعی و سیاسی موجود در آنها و عدم دستیابی به خواست های دموکراتیک قومی، تنها دریچه ای است که اپوزیسیونهای ناآگاه آن جوامع را به سوء استفاده ی سیاسی از مسائل قومی سوق داده است: باسک ها، دراویدیها و گرجی ها؛ هرکدام از آنها دارای مشکلات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی ویژه خود هستند و بیشتر، اقلیت های قومی آن کشورها بشمار می آیند.

هرکدام از افرادی که مدعی پیوند داشتن زبان سومری با زبان خود هستند به یکی از ویژگی های زبان سومری که با زبان مورد نظرشان هم خوانی نسبی دارد، چسبیده و با تمسک به آن زبان سومری را با زبان مادری خود هم پیوند به شمار می آورند. برای نمونه گرجی زبانان و باسک زبانان ناسیونالیست، با توجه به ویژگی نظام ارگاتیو- مطلق (3) و پیوندی بودن زبان سومری، تمدن سومری را گرجی و باسکی به شمار می آورند. پان ترکیست ها زبان سومری را به دلیل پیوندی بودنش، زبان سومری را زبانی ترکی می پندارند و ما بین ترک - مغول ها و سومری ها پیوند نژادی ایجاد می کنند. اما عموماً چنین به نظر می رسد که هیچ کدام از ناسیونالیست ها که این ادعاها را می کنند؛ با زبان سومری آشنایی لازمه را ندارند. برای درستی این گفته ی ما خوانندگان می توانند به خروارها کتابی که توسط پان ترکیستها در میهنمان چاپ گردیده مراجعه کنند؛ در هیچ کدام آنها کوچکترین نشانه ای از آشنایی نویسندگان مدعی ترکی بودن سومری، با زبان سومری نخواهد یافت.

باید در نظر داشته باشیم که ما نمی توانیم با توجه به یکی از ویژگی های مشترک، چه از نظر حالت و چه در بخشی از ساختار- میان دو زبان ایجاد پیوند و همبستگی نماییم؛ چه رسد به اینکه در میان گویشوران آنها از وجود داشتن پیوندهای نژادی سخن به میان بیاوریم.

اما نکته این است که چرا این ادعاها، که اخیراً از سوی طیف مشخص در میهنان ایران نیز مطرح شده اند غیر از آنکه با زبانی بسی عامیانه و غیرعلمی به میان آورنده شده اند، فراتر رفته، تمدن سومری ها؛ تمدن ایلامی ها و هیتی ها و ارارتوها و لولوبی ها و... را نیز در برمی گیرد؟ یعنی، هر یک از زبان های باستانی به غیر از زبان ایرانی باستان مورد ادعای اینان قرار گرفته است. این ادعاها بیشتر از سوی طیفی مشخص، بر مبنای اهداف سیاسی خاص شکل گرفته اند و مسلم است که نباید در اینگونه نوشتارها، حتی؛ در پی یافتن ردپایی از حقیقت و یا روش های پژوهشی علمی زبان‌شناسانه بود. اما لازم است که این موضوع به عنوان یک مسئله ی ژئوپلیتیکی مورد بررسی قرار گیرد و این از عهده ی این مقاله خارج می باشد. بدین جهت ما فقط به این مسئله از دریچه زبان خواهیم پرداخت. هر چند به گونه ای مسئله حول مسائل زبان شناسی می گردد، اما بدلالی خاص، ما بیشتر سعی خواهیم نمود که در این نوشتار زیاد به حوضه سیاسی این مسئله وارد نشویم.

با نظر داشتن به سیر تکاملی زبان های ایرانی در طول تاریخ همچنان که پیشاپیش در برگ های قبل آن را مورد بحث قرار دادیم، بررسی و مطالعات زبان را نمی توان به عنوان یک پدیده ی ایستا و دگرگونی ناپذیر مورد مطالعه قرار داد. ناپایداری های تاریخی زبان، چه در صرف - نحو و چه در ذخایر واژگانی هر یک از زبانها، پدیده ای است که برای جهان دانش شناسایی شده اند. این رخداد برای هر یک از زبانهای زنده ای که در فرآیند تعامل های اجتماعی - کشاکش های سیاسی اقتصادی و غیره - شکل پذیرفته اند، وجود داشته است. (حتی برای گویشوران زبان پارسی باستان). در برگ های بعدی از زبان هر کدام از اقوام باستانی گفته شده، نمونه هایی (واژگان، صرف، متن) را خواهیم آورد. پس از آن تا حد توان خود، به ارائه نظرات و تجزیه تحلیل های برخی دانشمندان زبان شناس جهان در مورد پیوند یا عدم پیوند و همبستگی های هر یک از آنها را با زبان و تمدن سومری مورد بررسی قرار خواهیم داد. از میان این تمدن ها در مورد هیتی ها در صفحات بعدی کمتر خواهیم نوشت؛ چرا که با توجه به یافته های باستانشناسی و مطالعات دانشمندان زبان شناس، دیربست که پیوند تمدن و زبان هیتی ها با زبان و تمدن آریاییان برای جهان علم و دانش آشکار گشته است. و ادعاها ی به نسبت کمتری در مورد زبان هیتی ارائه شده است.

اما، در رابطه با زبان تمدن سومری گفتنی هستیم که «سومر» به سرزمینی که به تقریب، امروزه بخش های جنوبی سرزمینی را که «میان دورودان» یا بین النهرین نام گرفته است را در برداشته است و سومرها اقومی بودند که از میانه - های هزاره ی چهارم پیش از میلاد بر بخش های پایینی «میان دورود» (4) فرمانروایی می کرده اند. پژوهشگران برای آنها خاستگاه دقیقی را مشخص ننموده اند و احتمال می دهند که از ایران و یا هندوستان بوده باشند.

از نوشته های سومری این طور استنباط می شود که در تمدن سومری اقوامی به زبانهای مختلف وجود داشته است (5) اما هر چه بوده زبان سومری، زبان غالب و نوشتاری در تمدن سومری بوده است. تاکنون همبستگی زبان سومری، برای پژوهشگران و دانشمندان زبان شناسی به طور قطعی معین نشده است و بیشتر زبان شناسان در رابطه با آن اصطلاح زبان منحصر به فرد را بکار می برند. برخی ویژگی های ساختاری در زبان سومری آنرا با زبانهای موجود جهان معاصر بیگانه می نماید: نداشتن نشانه های صرف اسم جمع که موجب آغشته شدن تکین ها از جمع ها می شود، هر چند می توان رابطه ی آن را با توجه به مفاهیم متن شناسایی نمود. و همچنین داشتن جمع تکرار صفات و حالت ها در سومری که صفت ها به لحاظ ساختواژی از ستاک های اسمی و یا زبانی هیچ تفاوتی را دارا نمی باشند و هیچ نقشی ابزاری ای در ساختواژها نداشته اند که صفتها از ستاکهای دیگر مشتق شده باشند؛ یک ستاک وصفی در درجه ی اول توسط کاربردهای نحوی خود مشخص می گشته است، نیز با وجود اینکه در زبان سومری جنس وجود نداشته است، اما جانداران از بی جانها کاملاً متمایز بوده اند (6) و... اینگونه ویژگی های ساختاری بی نظیر در زبان سومری؛ برخی از پژوهشگران طرفدار پیرو برانگاشت (فرضیه) *Nostratic hypothesis* (7) را به این اندیشه سوق میدارد که زبان سومری کهن را یک «زبان فرصی - نخستین» *Proto-Language* بشمار آورند؛ و بدینگونه، پژوهشگرانی چند، زبان سومری کهن را به عنوان یک زبان «فرا - نوستراتیک» *Pre-Nostratic* مورد مطالعه قرار داده اند. (8)

دیربست آشکار گردیده است که زبان بکار برده شده در نیشته های سومری جزو زبانهای سامی نبوده است و به دلیل ساختار زنجیروار آن، که در ساختن بیشتر واژه ها و اسامی و افعال دیده میشود، زبانی پیوندی(9)، با ویژگی های منحصر بفرد خود بوده است. توصیفی کلی از دیگرگونه بودن سومری از زبانهای سامی: متفاوت بودن ذخیره ی واژگان و ساختار آنها می باشد، نشانه ای با ارزش آوایی /bi/ که نقش پسوندی (suffix) به معنی «مال او» را در زبان سومری دارا است، در لوحه های زبان اکدی همان اشاره با ارزش آوایی /šul/ به عنوان یک ضمیر مستقل به کار برده می شده است. (10)

برخی از پژوهشگران احتمال می دهند که زبان سومری با زبان دروایدی ها هم خانواده بوده باشد. ادعاهایی نیز در رابطه با پیوند آن با زبانهای قفقازی همانند گرجی و زبان باسک های اسپانیا و با زبانهای آلتایی نیز وجود دارد. ادعای پیوند داشتن آن با زبان باسکی تا به حال همانند ادعای ترکی بودن آن، برای اکادمسین های زبان شناسی جهان بی اساس و غیرعلمی می باشد. ولی این موضوعات نیز فقط احتمالات بسیار ضعیفی هستند. آنچه را که می توان ابراز داشت، این است که، زبان سومری از نظر ذخایر واژگانی(نه از نظر دستورزبان) با زبان های ایرانی بویژه زبان ایرانی آذری امروزی، بیشترین نزدیکی ها را داشته است. یعنی در مقایسه ی ذخایر واژگانی سومری هر چقدر از زبانهای ایرانی بویژه آذری فاصله بگیریم و به سمت زبانها اورال - آلتایی منشاء حرکت کنیم، این پیوند به حداقل پیوندهای ممکن اش خواهد رسید؛ و این درست برخلاف ادعاهای کسانی است که مروج اورال - آلتایی بودن زبان سومری می باشند. البته واژه های سومری را می توان در بسیاری از زبانهای آسیای غربی و حتی اروپایی مشاهده کرد. واژه هایی همانند: تابلو، دیوان، سکان، شاید *nrHt/ tjri* ترکی (دینقیر در زبان سومری) در زبانهای لاتین، ایرانی، عربی، ترکی و امواژه از زبان سومریان می باشند.

اگر میان زبان سومری با زبانهای قفقازی یا دروایدی و یا ترکی و یا هر زبان دیگری، پیوندی قطعی وجود داشت تا به حال می بایست در منابع رسمی مجامع اکادمیکی که در آنها، زبان سومری تدریس می گردد اعلام می شد. تا آنجا که نگارنده آگاهی دارم، تاکنون چنین آگاهی ای از سوی هیچ کدام از مجامع علمی و اکادمیک جهان داده نشده است.

کشور ترکیه خود یکی از کانون های مهم نگاهداری نیشته های سومری در جهان است. چنانچه چنین پیوندی، میان زبان سومری و زبان ترکی وجود می داشت، دانشگاه های ترکیه خیلی وقت پیش، آن را اعلام کرده بودند و با توجه به آنکه دولت ترکیه از جمله دولت هایی است که بدلیل تازه تاسیس بودنش برای پروردن روحیه ی وحدت ملی در درون مرزهای بین المللی اش، بیشترین مصرف نیروی خود را در رابطه با تبلیغات ناسیونالیستی نسبت به دیگر کشورها داشته است، از این موضوع استفاده ی ابزاری می کرد، در صورتی که مجامع اکادمیک ترکیه تا بحال به صورت رسمی و جدی از پیوند میان زبان سومری و ترکی سخن به میان نیاورده است. هر چند حکومت ترکیه به عنوان خوراک تبلیغاتی بی میل هم نیست که از این موضوع، در جهت منافع اقتصادی - سیاسی اش بهره برداری نماید.

چنین به نظر می آید که مجامع اکادمیک آن چنان پیوندی را که میان برخی زبانهای جهان وجود دارد، میان زبان سومری با زبانهای موجود جهان را نخواهند یافت. زیرا با وجود دشواریهایی که در شناخت زبان سومری وجود دارد، اکنون دیگر بسیاری از ناشناخته های زبان سومری برای زبان شناسی آشکار گردیده است. دو دیگر اینکه، بسیاری از زبانها و اقوام در مسیر تاریخ بوجود آمده و سپس بدلیل در آمیختن با اقوام متفاوت با زبانهای گوناگون، هم واژه های آن دگرگون شده اند و هم ویژگی های صرف و نحوی زبان خود را از دست داده اند و این چنین از میان رفته اند. با توجه به متن استوانه ی کورش کبیر نگارنده بر این باور است که سومری ها به هنگام شکل گرفتن امپراتوری ایرانی هخامنشی به صورت قومی زنده در بین النهرین به زندگی خود ادامه می داده اند. و احتمال همگون شدن آنان در درون اقوام ایرانی وجود دارد. بدین جهت می توان گفت که سومری ها بعد از شکل گیری دولت هخامنشی در درون جامعه ایرانی به تحلیل رفته باشند. در استوانه ی کورش از سومریان نام برده شده است آنچه از استوانه ی کورش کبیر آشکاری گردد آن است که، سومریان در آن زمان زیرسطله و ستم «نبوئید» قرار گرفته بوده اند. اما، باید یاد آوری کنیم که بسیاری از زبانشناسان و تاریخ نگاران بر این باورند که، قوم سومر پیشتر از آن تاریخ در درون دیگر اقوام ساکن در «میاندرودان» به

تحلیل رفته بوده اند و زبان سومری همچون زبان لاتین امروزی تنها به عنوان زبان علمی - دینی در مراسم و آیین های ستایش بکار برده می شده است.

در بررسی ذخایر واژگانی متون سومری، همانندیهایی که میان واژه های ایرانی و سومری به چشم می خورد به اندازه ای است که گاه پژوهشگر، اگر با دستگاه ساختاری زبان سومری و سیر تحول زبان های ایرانی آشنایی نداشته باشد به این اندیشه سوق داده خواهد شد که سومرها قومی ایرانی بوده اند. چه بسی این همانندی ها می تواند محصول اتفاق نیز باشند، بیرون از مسئله اتفاقی بودن همانندیها، وجود واژه ها به تنهایی نمی تواند پیوند نژادی را میان کاربران واژه ها ایجاد نماید. واژه ها میمانانی هستند که گاهی بر این خانه و گاهی در آشیانه ای دیگر مسکن می گزینند. چه بسا ممکن است که واژه ای که در برهه ای در زبانی کاربرد داشته و متعلق به زبان آن بوده باشد، ولی با گذشت زمان قومی دیگر آن را وام گرفته و پس از گذشت زمان، از زبان قوم منشاء خذف شده و رخت بر بسته باشد، ولی در زبان قوم وام گیرنده هنوز هم بکار برده شده باشد. اما، این گفته خود نمی تواند پیوندهای میان اجتماعات قومی و تعاملات فرهنگی را در بین آن اقوام را به زیر سوال ببرد. متن سومری با نام «انمرکار و شاه ارته» یکی از نمونه هایی است، که بیانگر پیوند دیرینه میان قوم ایرانی و قوم سومری می باشد. این منظومه نزدیک به پنج هزار سال پیش تعلق دارد.

آنچه که در این افسانه ی حماسی سومری دقت نظر خواننده را به خود، جلب می کند، وجود واژه ی آشنای «ارته ی» اوستایی است، سومریان کشورهای خارجی را با نام خدایان آن سرزمین نام می نهادند وجود این ایزد آریایی در یک افسانه ی سومری مربوط به پنج هزار سال پیش، برای من شگفت آور نبود؛ بلکه، این به تمامی در راستای اندیشه و باور من در رابطه با نظریه ی مهاجرت آریاییان به فلات ایران قرار داشت (11)؛ که آن را در رویارویی با منطق و حقایق تاریخی موجود درک می کنم. براستی چه مدت زمانی نیاز است تا، واقعیت های تاریخی که روزگاری در یک جامعه عینیت داشته اند، شکل افسانه واسطوره را بخود بگیرند؟ یعنی، تبدیل شدن ماجرای فرمانروای «ارته» به افسانه، در شکل پرسوناژی اسطوره ای، قرنهای زمان می طلبد. اینگونه موارد در کنار دیگر ناهمخوانی ها که در باره ی تئوری مهاجرت آریاییان به ایران وجود دارد نظریه ی مهاجرت را با پرسش هایی جدی روبرو می سازد.

باید در نظر داشت که در بررسی تاریخ ورود آریاییان به فلات ایران و غرب آسیا، ما با کوچی همانند که در سده های آغازین هزاره دوم بعد از میلاد با سرازیری اقوام ترک - مغولها به غرب و شمال قاره آسیا بوقوع پیوست رویارو نیستیم؛ بلکه، این کوچ احتمالی، در طی مرور زمان از حدود هزاره ی سوم پیش از میلاد آغاز شده بوده است. ما در اوایل هزاره ی اول میلاد است که با به حکومت رسیدن مادهای ایرانی غلبه ی عنصر آریایی در مناطق غرب و شمال غربی ایران را بروشنی در می یابیم. با توجه قرار دادن اینکه به حکومت رسیدن اولین آریاییان (مادها) در غرب و شمال ایران به هیچ وجه با جنگ و خونریزی به انجام نمی رسد؛ بلکه، استناد به نوشته های گوناگون تاریخی (هردوت و غیره) شکل گیری حکومت مادها با یک روش نسبی دموکراتیک انجام می پذیرد. در جلد های بعدی کتاب حاضر، بویژه در هنگام سخن گفتن از وجه تسمیه ی «ایران» به این مورد بیشتر پرداخته شده است.

خط و زبان سومری

خط تصویری سومری، شاید از کهن ترین خط هایی باشد است که در «میان دورود» به احتمال زیاد توسط سومری ها به کار برده شده است. این خط سیر تکاملی خود را، به دلیل تکرار در نوشتن با چوب بر روی الواح در دراز مدت، از شکل ابتدایی هرو گلیفی مانندشان تا به

صورت متاخر میخی (Cuneiform) مانند، بر روی لوحه های گلین سپری نموده است. یوهانس فردریش johannse .fridrich این پروسه تکاملی را که نزدیک به سه هزار سال به درازا کشیده به هفت دوره بخش بندی کرده است:

- 1 - از آغاز تا دوران مانیشتوسو (3000 الی 2250 سال پیش از میلاد)
- 2- از 2250 سال پیش تا دوره «کوده - آ» فرمانروای لاگاش (2050 پیش از میلاد)
- 3- عصر ترتیا (1900 تا 2050)
- 4- دوران حمورابی (1900 الی 1500 پ.م)
- 5- دوران فرمانروایی کاسی ها (1500 الی 1200 پ.م)
- 6- دوران آشوری (1200 الی 1500 پ.م)
- 7- بابلی جدید (600 الی 540 پ . م)

اما، در سومر شناسی نوین سیر تکاملی خط و زبان سومری را می توان با توجه قرار دادن رویداد نگاری تاریخی زبان، به سه دوره ی عمده زیر بخش بندی نمود:

- 1- سومری کهن 3100 الی 2600 BCE
- 2- سومری کلاسیک 2600 ال 2300 . BCE سومری نوین 2300 الی 2000 BCE
- 3- سومری پسین 100 الی 2000 BCE

نشانه های خطی را که سومری ها بر روی نبشتک ها (لوحه) برای نوشتن زبان خود به کار برده بودند، پس از آنها توسط کلدانی های سامی زبان، با دگرگون نمودن ارزش های آوایی بعضی از آنها به کار برده شد، تعداد این نشانه ها در نبشتک های پیشین، نزدیک به سه هزار نشانه بوده اند؛ ولی در نبشتک های پسین به ششصد عدد تقلیل یافته اند و در متون آشوری نو این شماره نزدیک به چهارصد اشاره پایین آمده است، که از ایدوگرام تا اشارات هجایی (آمیخته از واکه + همخوان، همخوان + واکه و همخوان + واکه + همخوان) متغیر هستند.

واج نگاری نویسی :

چیزی نوشته نشده



4(diš) udu niga
 {d}en-lil2 {dingir}nin-lil2
 1(diš) udu niga {dingir}nanna
 a2 u4-te-na?
 giri3? a-tu sagi
 2(diš) udu niga sag10 us2?
 3(diš) udu niga
 siskur2 ki {d}sue? e2 u4 imin
 1(diš) udu niga siskur2 {d}inanna
 sza3 e2-gal
 {d}en-lil2-zi-sza3-gal2 maszkim
 1(diš) udu niga 1(disz) masz2 gal
 چیزی نوشته نشده
 szul-ga2-a-ad?lu2 zi?-da-ah-ri{ki
 giri3 szu-{d}szul-gi sukkal
 1(diš) udu niga ma-ar-hu-ni lu2
 ha-ar-szi{ki}
 giri3 ha-ni sukkal
 ARAD2-mu maszkim
 iti u4 5(diš) ba-zal
 sza3 tum-ma-al
 ki en-dingir-mu-ta
 ba-zi
 : نانوشته
 iti szu-esz5-sza
 mu? hu-uh2-nu-ri ba-hul
 چیزی نوشته نشده
 1(u) 4(diš)


CDLI no : P142961 نمونه ی یک لوحه ی گلی

لایه ی سوم اروک.محل نگهداری موزه آثار باستانی پترزبورگ

گونه های آمیختار نشانه ها در خط میخی سومری :

نشانه های میخی سومری در نبشته های نگاشته شده در اشکال گوناگونی نسبت به هم نگاشته می شده اند. گوناگونی میان یک نشانه ی ساده و یک نشانه ی مرکب؛ که یک نشانه ی مرکب نوعی توالی نشانه ها که شامل آن ویژگی است که رابطه ی میان نویسه های چندگانه را نشان می دهد. نمونه ی روش های نوشتاری برخی نشانه ها را در آمیختن با یکدیگر در زیر می آوریم:

تکرار	.	DU.DU	
آمیخته	+	LAGAB+LAGAB	
ترکیب	x	GA2xAM	
گروه آمیخته	x	GA2x(ME.EN)	
روی هم	&	DU&DU	
پیچیده	%	GI%GI	
رویاری هم	@	LU2@LU2	
توالی	3x	3xAM	
توالی	4x	4xLU2	

1- $ZU = \text{𒍪}$ ارزش آوایی = (Sú), zu , ارزش آوایی کهن آن = $sú, Sû$ شکل املائی نبشته ای آن در آشوری نو =  ، در لوگوگرام ها : الف - $ZU = idû$ به معنی دانستن.

ب - $lamädu$ به معنی یاد گرفتن، $apsû = ZU . AB = \text{𒍪 𒀭}$ به معنی آب زیر زمینی (در رابطه با «گوده - آ» به کار برده شده است) $idû = ZU$ (دانستن) مقایسه شود «ذان، ذو» اوستایی و «دان» در زبان فارسی، به معنی دانستن) نمونه های دیگر:

در زبان سومری واژه های $kug-zu$ / (فرزانه، حکیم، داننده) و $gal-zu$ / (استاد، کاردان) و $gal-an-zu$ / (بسیار با هوش) می باشد. نشانه های پیشین هر کدام از واژه ها، شناسه ی آن واژه است. اشاره ی gal / به تنهایی که به معنی بیشتر و بزرگ نیز هست؛ و در برخی واژه ها که به کار برده شده، نقش «تر» و «ترین» (صفت عالی و تفضیلی) را در جمله ایفا کرده است.

2- این اشاره ی $\text{𒍪} = \text{𒍪}$ سومری که معنی آب را داشته نماینده ی کلمه ی A / و به احتمال زیاد W / نیز تلفظ می شده است، که به معنی «آب نوشیدنی» به کار برده می شد. $A / = \text{𒍪}$ / هم چنین برابر با حرف اضافه به معنی «در» نیز بوده است. کاربرد های آمیخته:

1- $\text{𒍪 𒀭 𒍪} = A (W) . MA . RU =$ سیلاب و سیل، طوفان

2- $\text{𒍪 𒀭 𒍪} = A (W) . AB . BA =$ خیزاب، دریا، موج




3- این اشاره $\text{𒍪} = kuš$ در زبان سومری به معنی چرم و همچنین به معنی رنج و آزار می باشد (در زبان اکدی به $mašku$) این اشاره همچنین شناسه ای است که قبل از وسایل چرمی نبشته می شده است. و به صورت لوگوگرام بکار برده می شده است به معنی پوست و در معنی پاداش / SU تلفظ می شده است.

4 - این اشاره * در نبشته های پسین ← 𒍪 (بر گرفته شده از تصویر یک ستاره) در زبان سومری به معنی خدا می باشد و تلفظ آن دو گونه: AN (آسمان) و $DIGIR$ (خدا) بوده است و در آشوری نو به شکل: $\text{𒍪 𒀭} = DIGIR.MEŠ$ (خدایان) نگارش گری ($orthography$) شده است. AN در زبان سومری به معنی آسمان است و هنگامی که از آن مفهوم خدا در نظر گرفته می شده واج نویسی $DIGIR$ را که به معنی خدا می باشد، داشته است و شناسه ای $MEŠ$ نشانه ی جمع است. Anu سومری در اکدی = $šamû$ و به معنی سپهر و عرش می باشد و $DIGIR =$ (خدا) سومری در زبان اکدی ilu تلفظ می شده.

در زبان سومری گونه ی ویژه ای از جمع بستن اسم با تکرار اسم ساخته می شده است. برای نمونه: $diğir diğir = \text{𒍪 𒍪}$ به معنی خدایان $dingir.diğir.gal = \text{𒍪 𒀭 𒍪}$ و یا $diğir.gal.gal = \text{𒍪 𒀭 𒍪}$ خدایان بزرگ. اینگونه موارد که از ویژه گی های زبان سومری است. وقتی که از اشاره ی 𒍪 و یا دیگر نشانه ها میخی در یک واژه به عنوان یک تعیین کننده (شناسه) ($Determinative$) استفاده شده است به هنگام آوا نویسی آنرا کوتاه نویسی کرده و به صورت $UTU = \text{𒍪}$ می نویسیم، به معنی خدا (ایزد، الهه ی خورشید)

6- این نشانه ی سومری ← 𒍪 نشانه های آوایی = TUR و $DUMU$ بوده است و از یکی دیگر از واژه هایی است که ریشه ی ایرانی (اوستایی، آذری) دارد، این نشانه معنای زیر را داشته است :

ایرانی اکدی سومری نشانه

فرزند نر، پسر	$māru$	DUMU	
خرده، ریزه، کوچک	$Sehru$	TUR	
کوچک شدن، کوچک، توله، تور	$Sehëru$	TUR	

	TUR	<i>Suhāru</i>	نوکر، خدمت کار
	DUMU.SAL	<i>Mārtu</i>	دختر، دوشیزه
	DUMU.UŠ	<i>aplu</i>	1- گیسو، زلف 2 - توره، بزرگ 3- پسر، توره

8- UTU / این اشاره سومری که در زبان اکدی نیز به عنوان لوگوگرام $U = ummu = UD$

(یوم در زبان عربی) و لوگوگرامی برای UTU / شاماش / $\hat{samaš}$ مورد استفاده قرار می گرفته، در

اصل از UTU / ، که یک واژه ی سومری به مفهوم «خورشید» و «روز» است؛ گرفته شده است. این دو اشاره در زبان سومری در کنار هم = $dingir\ utu$ و utu آوا نویسی می شود. (به معنی خدای خورشید. مقایسه شود با تنگری در زبان گوگ ترگ ها). و این دو نشانه با آمیختن به هم در زبان اکدی «بیت باببار» پرستشگاه و معبدی برای خدای خورشید (شاماش) بوده است. (باببار به معنی سفید، روشنایی ، سیم) می باشد.

9 - این اشاره سومری URU به معنی شهر در زبان سومری است و آواهای iri, eri, ere و نیز در بابلی نو را داشته است. این اشاره قبل از نام شهرها و دهکده ها نوشته می شده و شناسه است. پس از نام جای ها و دهکدها اشاره ی نیز آورده می شده است.

همانند:

$uru\ nun\ ki$ = = شهر اوریدو

$U\ šeš\ unug\ ki\ Ur$ = = شهر باستانی «اور» (شهری بندری و پر اهمیت در جنوب میان دورود کهن بود)

10 - HU = این اشاره سومری پیش نامی است که قبل از نام مرغان می آمده و در نبشته های متاخر اکدی آوا های $pag/k/q, bak/q, bah$ را داشته است. وهم چنین لوگوگرامی بوده برای $MUŠEN$ (مقایسه شود با مرغ در زبانهای ایرانی).

11- این اشاره سومری که در زبان اکدی و سومری به ترتیب: $sinništu /munus$ به معنی زن و خانم، این اشاره در خط تصویری سومری کهن، نمادینه شده از آلت شرمگاهی زنان بوده که با شکل مثلث نود درجه ای ∇ نشان داده می شده است. در سومری پیش از نامهای زنان و شغل های زنان و جنس زن می آمده (اغلب اسامی مجرد) و هنگامی که با این اشاره kur که لوگوگرامی برای مفهوم کوه و کشور بوده و از شکل طبیعی نوک قله ی کوه اخذ شده بوده است، به شکل آمیخته نبشته می شد = مفهوم زن برده و زن بیگانه (خارجی) را داشته است یعنی: زنی که از کشور بیگانه به عنوان کنیز آورده شده. و هنگامی که با نشانه ی hul / mi / $lemuttu$ نوشته می شد () صفت است به معنی شرور و بدکار است) و در کنار هم، موصوف بوده به معنی بدی، زیان و بندرت به معنی بدکاره... را نیز داشته است

12- این اشاره ی سومری در ابتدا Ti, di = در زبان سومری تصویرنگاری برای تیر (پیکان، خدنگ) بوده است. با آوای tir (مقایسه شود با تیگر به معنی «تیز» در زبان ایرانی باستان). که شکل نبشته ای آن در آشوری نو، به تحول یافته بود؛ با در آمیختن $ti - la$ به معانی: قدرتمند، زنده و زندگی، سوی، کنار، پهلو، و با در آمیختن با پیش شناسه ی $LU.TI.LA = lu$ / معنی توانگر و غنی و سلامتی را در خود داشت .

13 - MUL = از اشاره های چسبیده است که از آمیختن جز اول با AN = شکل گرفته است. MUL شناسه ای است که پیش از نام ستاره ها و برج های فلکی آورده می شده است در زبان سومری mul . و در زبان اکدی $kakkabu'$ تلفظ می شده است. نمونه برای نقش آن در شناسه: $MUL\ GÍR.TAB$ = برج عقرب .

پیش از آنکه به دنباله ی مبحث برخی نکات صرفی و ساختار زبان سومری پردازیم لازم است که در رابطه با بنیاد تئوری های من درآوردی افرادی که، نظراتشان برای پرفسورهای قید شده به عنوان سومر - شناس و زبان شناس در حکم حجت و برهان قاطع محسوب می شود و چکیده ی یافته های آنان را که عبارت از یافتن! 60 کلمه ی ترکی در زبان سومری است به پردازیم. قابل ذکر است که Angus. J. Huck اهل باسک اسپانیا نیز همچون سلیمان اوغلی با مقایسه ی حدود 120 واژه ی سومری را با واژه های زبان باسکی ادعای سومری بودن زبان باسکی را نموده است.

اولجاس سلیمان اوغلی شاعری که بعد از فروپاشی اتحاد شوروی به کارهای زبانشناسی روی آورده است، یکی از تئورسین های پان ترکیستها در حیطه ی زبان محسوب می شود. حاصل پژوهش های ایشان، کتابی است تحت عنوان «شومرنامه» که گویا ابتدا در قرقیزستان و سپس در سال 1993 به توسط پخش آذرنشر باکو چاپ گردیده است. این نوشته که چندی پیش در میهنمان نیز یک حروف برگردانی نصف نیمه و سرا پا غلط با همین نام که نام نویسنده در آن به صورت عجایب القرایب «اولزاش سولئیمثوف» درآمده است، به زبان آذری باکوئی چاپ شده است - اینگونه حرف برگردانی از نام الیاس سلیمانف بر روی کتاب، بینندگان انگشت شمار کتاب را در جلو ویتترین کتابفروشی را به اشتباه می اندازد که نویسنده باید از دانش پژوهان زبانشناس مکتب پترزبورگ باید باشد.

اما، خود کتاب «شومرنامه» سلیمانف که به یک داستان کوتاه بیشتر می ماند تا به یک اثر پژوهشی زبان شناسی؛ او پس از انتقال احساسات ناسیونالیستی خود به خواننده در بخش های آغازین کتاب و کلی گویی های در رابطه با زبان های هند- اروپایی و محکوم کردن دانشمندان زبانشناس جهان، هم چون ارشیمدسی که به کشف بزرگی دست یافته باشد فریاد من یافتم من یافتم سر داده اند.

یکی از نظریه های شگفت آوری که ایشان در کتاب خود ذکر فرموده اند، در رابطه با عدم دگرگونی ها در زبان ترکی است. سلیمانف بر این نکته باور دارد که چون اقوام ترک - مغول کوچ نشین بوده اند، در نتیجه تحرکات کوچ نشینی در زبان ترکی هیچ دگرگونی روی نداده است:

«زبانشناسان فکر می کنند که تغییرات زبان بیشتر به عوامل فونتیک بسنگی دارد اما به نظر من این اندیشه سهو است اساس تغییرات گرامری هستند... دوام و پایداری واژه های ترکی به سبب حفظ چهارچوب مورفولوژیکی است به این مسئله، سبب های تاریخی و معیشتی، یعنی کوچ نشین بودن و محافظه کاری های دینی را نیز باید اضافه کرد. کوچ نشین با سرعت می تازد؛ اما وقت - زمان ایستا گردیده بود. کوچ نشین با ده ها قوم و خلق مختلف تماس می گیرد و دنیای خود را غنی می کند اما ویژگی های آنها را لمس نمی کرد و هم در این زمان بدینگونه نسبت جرم و زمان را، با توجه به تئوری انشتین معین می کنند» درون هر آن جسمی که با سرعت حرکت کند زمان می ایستد!! ص 31

نگارنده درست برعکس ایشان فکر می کنم و چنانکه در بخش های پیشین نیز نوشتم، اقوامی

که کوچ رو بوده اند، به دلیل آشنایی با دیگر تمدن ها و اقوام بیشترین و سریعترین دگرگونی ها را در زبان (هم دستوری و هم فونتیکی و هم از نظر دخیار واژگانی) تجربه کرده اند و بدان جهت است که شکل گیری زبان ادبی ترکی دیرتر از دیگر اقوام رخ داده است. اگر این تئوری ایشان درست می بود، آنگاه می بایست مابین زبان ترکی با زبان سومری هیچ تفاوتی بوجود نمی آمد. در صورتی که هیچ مناسبتی نمی توان نه از نظر دستوری و نه از نظر دخیار ی واژگانی بین این دو ایجاد کرد. ایشان در کتاب «شومرنامه» شصت واژه ی ترکی را، که فکر کرده اند ترکی است، در زبان سومری یافته و آورده اند. ما در زیر نگاهی گذرا به چند واژه ی انتخابی ایشان می اندازیم.

سومری	توضیح الیاس سلیمانف	معنی به فارسی
1 دو مو /	تئ ما نسل بالا توره مه [عموم ترک]	تخمه، نسل
2 تیر	تیریک سلاح اوخ [ساقای جا] تیر ایتی دئمک دشمک..ده لمک	تیر (تیر کمان)
3 شی /	[اوای ũi جی، زی] انسانی بیلدرن شکیلچی عموم ترک	زی، زندگی، حیات
4 گیرسیکیل	سیکیل فیز	دوشیزه باکره
5 اثرن	سیراوی عسکر، مرید، کیشی، کمین آردینجا گندن	سرباز جنگجو

6	شوبا	چوپان ، چابان عموم ترک	چوپان
7	تیبیرا	دمیر، تمیر	مسگر
8	گشتوک	قولاخ	گوش
9	گوشتوکا	اشوتقان اسوتقان ؟	شنونده، گوش دارنده
10	آن	آن [آی] کوکو آنیک (تمیز آیدین)	ستاره آسمان
11	شاق	[اوآک ، ساک] شاک ایکی بول شاققالماق	شقه کردن
12	کور	قور، اور سوزونون واریانتی	کوه ، کوره
13	تینقیر- تیقیر	قالان توزک دیلرده - ئنقیز ده نیز	دریا
14	تو	دوغماق (عموم ترک)	زائیدن
15	ائنته	ائنه ، انه انای اشاره عوضلیگی « بو ، او »	آن(ضمیر اشاره)

جدول شماره ی (1)

چنین نوشتارهایی همانطوری که در سطور گذشته نیز گفته شد، آبروریزی تمام و تاسف انگیز هستند. توضیحات سلیمانف برای اثبات ترکی بودن واژه های سومری بسی غیر منطقی و عامیانه بوده و به هیچ روی قانع کننده نیستند؛ برای نمونه : میان «آن» سومری که به معنی آسمان است با واژه ی «آی» ترکی به معنی «ماه» هیچ رابطه ی منطقی زبانشناسی نمیتوان برقرار کرد. دو دیگر اینکه اصولا باید واژه های سومری، با اشکال باستانی ترکی واژه های ترکی معادل سنجیده شود نه با واژه های امروزی که از زبانهای دیگر بویژه زبان آذری به آن راه یافته اند. برای مقایسه ی واژه های سومری نگارنده برای واژه های این جدول نیازی به شرح نمی بینم. چون هر کسی که نیم سوادى داشته باشد حداقل به ایرانی بودن حداقل نه واژه (1، 2، 3، 6، 8، 9، 10، 12، 15) پی خواهد برد. لازم است که در رابطه با واژه ی «شاق» که در شماره ی (11) جدول آورده شده است هر چند بازهم آشکار است که این واژه یک واژه ی «سامی آکدی» است که در کتاب عهد عتیق و قران کتاب مقدس مسلمانان نیز (شق القمر) بارها بکار برده شده است. و در زبانهای ایرانی و عربی یک وام واژه از زبان سومری است که بعد از اسلام آوردن ایرانیان توسط آنها به زبان ترکی راه یافته و در آن زبان ها به کار برده شده است.

در رابطه با شماره ی چهار /kir-sikil/ (پاک، تمیز) که ایشان آن را یک واژه ی ترکی پنداشته اند. این ناآگاهی ایشان به دلیل عدم درکی صحیح از دستور زبان و نحوه ی نوشتار و ساختن کلمات آمیخته در زبان سومری و حتی ترکی باستان است. یکی اینکه ایشان این واژه ی سومری که غلط انشاء کرده اند، واج نویسی این واژه /ki-sikil/ است و اشکال دیگر نوشتاری آن در لوحه های سومری  ^{lu}ki-sikil می باشد. همخوان /r/ ساخته و پرداخته ذهن ایشان است. دو دیگر آنکه، جزء دوم که با جز اول آمیخته، شناسه است؛ و همانطور که گفته شد، ویژگی دستوری صرفی و نوشتاری زبان سومری است و ربطی به کلمه ی دختر(قیز) ندارد. بیشترین کاربرد این واژه در نوشته های سومری، در رابطه با ایزد بانوها بویژه در افسانه های مرتبط با ایزد بانو «نانا سوئن» میباشد. ایرادی که به بیشتر نوشتار های این افراد وارد است این می باشد که در نوشته های این طیف، نوعی ویژگی جا گرفته، که گویا نیازی نمی بینند که خواننده را از منابعی که در رابطه با واژه های استناده کرده اند، آگاهی دهند گویا چنین می پندارند، همین که بنویسند ترکی قدیم مسئله حل شده است! برای شخص نگارنده که تا حدودی با متون ترکی (کهن و امروزی) آشنایی دارم آشکار نیست که ایشان در کدام نوشته ی ترکی قدیم اصطلاح (سیکیل قیز) را مشاهده فرموده اند. شاید نظرشان شکیل قیز (دختر خوشگل) بوده باشد، که آن هم از آمیختن «شکیل» عربی و «قیز» ترکی شکل گرفته است. ایشان اگر این واژه را از ریشه ی فعل/سیل/ به معنی پاک کردن گرفته باشند آنگاه به نکته ی خواهیم رسید که زبان سومری زبان پیوندی نبوده است و همانند زبانهای ایرانی تصریفی بوده است؛ زیرا، در زبان سومری  sa la₂ به معنی پاک کردن نیز بوده است (مقایسه شود با «سیل» آذری به معنی با دست ویا دستمال و غیره پاک کردن، این نکته را، یعنی اینکه در زبان سومری sa la₂ به این معنی بوده است را ایشان نمی دانسته اند؛ زیرا اگر می دانستند در استدلال و شرح واژه ی/کی سیکیل/ به ریشه فعلواژه اشاره می نمودند و شرحی منطقی از آن می نمودند.) و درست همان معنی را دارد که در زبان آذری امروزی بکاربرده می شود. و اگر ریشه واژه ی کیرسیکیل

را از sa-la₂ سومری بدانیم آنگاه باید به این نتیجه برسیم که sikil سومری شکل تصریفی از فعل sa la₂ بوده است و زبان ترکی زبان تصریفی نبوده است؛ ما این نشانه ی سومری را در زیر آورده و به آن باز خواهیم پرداخت.

اما در رابطه با واژه ی شماره ی 7 جدو «تیبیرا» نیاز است که گفته شود:

الف - در زبان سومری «تیبیرا» در معانی مختلف بکار برده شده است که عبارتند از: $tibir_2=1$; $tibir$; $tibir_4=2$. $tibir_4$ = $tibir$ = مُشت. $tibir_4$ = $tibir$ دست. که هیچ کدام ربطی به آهن و مس ندارند. سومر شناسان، بسیاری از واژه هایی را (همانند: $mu-engar_3 = un-gar_3$ = کشاورز، $nangar = nangar$ = نجار درودگر، $sanga$ = کاهن و...) که مرتبط با صنعت فلز کاری و کشاورزی هستند را به دلایلی چند از جمله اینکه کشاورزی و فلزکاری پیش از آمدن سومریان به منطقه ی «میان دورودان» در آنجا وجود داشته، و هم چنین از نقطه نظر آوا شناختی و ریشه شناختی، آنها را وامواژه در زبان سومری می دانند و آنها را بازمانده هایی از زبان اقوام پروتو سومری می شناسند. (13)

ب - در زبان سومری ها «تیبیرا» به پیکر تراشانی که از فلز و سنگ و هر چیز دیگر، پیکری می تراشیده اند گفته می شده است. هر چند اگر این واژه به ندرت به جای واژه ی «مسگر» نیز بکار برده شده باشد، اما در زبان سومری به کسانی که پیشه ی مسگری و آهنگری داشتند، واژه ی $zermušku$ = $zermušku$ و $zermušku$ = $zermušku$ و $zermušku$ = $zermušku$ از ستاک zer بکار برده شده، که داری دو معنی گوناگون است:

1- کوبیدن، زدن، آزار دادن. 2- شکافتن، له کردن، چاک دان و.. بکار برده می شده است؛ واژه ی ze به معنی جدا کردن نیز است. (مقایسه شود با زرنیه ی اوستایی) اما خود آهن در آن دوران برای سومری ها هنوز فلزی ناشناخته بود و تمامی ابزاری که در تمدن های آن دوران، در سومر ایلام و اکد ساخته شده بود از جنس مفرغ برنز و مس و... می باشند. عنصر آهن در اواخر هزاره ی دوم قبل از میلاد بود که در بین النهرین شناخته شد. بهره جستن جوامع و تمدنهای انسانی از سنگ آهن برای ساختن ابزار آلات جنگی، نسبت به دیگر فلزات خیلی دیرتر رایج گردید. (14) از شواهد و قراین موجود چنین بر می آید که، آهن نخستین بار در آسیای صغیر (شاید در هندوستان جنوبی) شناخته گردید. (1) در زبان سومری ما دو واژه ی بازمانده ی «تیبیرا» را در دست داریم که در فرهنگ های معتبر سومری آن دیگری $tibira_2$ به معنی «فروشنده» «بازرگان» آورده شده است. (15)

تمامی 60 واژه ی سومری که ایشان ترکی - مغولی انگاشته اند. بیشترشان همین گونه است. نگارنده در لیست ایشان، بیش از پنج و یا شش کلمه را، که شباهت به واژه های ترک - مغولی اصیل داشته باشد، تشخیص ندادم. آنچه که معلوم می شود، ایشان از زبان سومری تنها این شصت واژه را می دانسته اند و گرنه می توانستند واژه های بیشتر را بیابند. هر کسی می تواند در ذخیره ی واژگانی بیگانه ترین زبانها، صدها واژه را - که بطور اتفاقی به هم نزدیکی آوایی دارند - پیدا کند و.

اگر بخواهد همانند سلیمانف ها عمل کنند می تواند تمامی واژه های یک زبانی را حتی در جنوبی ترین نقطه های افریقا - که به آن سخن گفته می شود. مصادره فرماید.

یکی دیگر از اشتباهات (سوء استفاده ی آگاهانه) ایشان که در «شومر نامه» به چشم می خورد، در موردی است که ایشان در پی یافتن ترمینولوژی (وجه تسمیه ی) سومر برآمده اند. سلیمانف بعد از دراز کردن دست نیاز خود به آکادمیسین «مارر» روسی و کلی خیال بافی که خاص پان ترکیست ها می باشد چنین آورده است:

«در سنگ نوشته های کول تکین (سده ی 8) یک افاده ی شاعرانه ای وجود دارد: تورک ایدوک یتر و «سوب» ترجمه ی واژه به واژه ی آن برابر است با: مقدس تورک یتر سویو: زمین و آب مقدس ترک» و ترجمه ی شاعرانه ی آن: میهن مقدس ترک ها) هر بار که نظرم به اصطلاح آمیخته شده ی «یتر-سوب» روپرو می گشت هیجان غریبی را پشت سر می گذاشتم. (!) آخرش فهمیدم که مشکل کجا خل می گردد. جای آنچه را که به هم آمیخته بود، از هم

جدا کردم و چنین شد: سوب - یثر). واژه های نام قدیمترین کشور جهان از این مولکول ها شکل گرفته اند... در روایات منقولی (مغولی) در رابطه با کوه دو قله به هم پیوسته ی سوپئر[سومئر، سومیئر] چنین گفته می شود.. والنخ «

این همه فلسفه بافی از سوی ایشان، برای پیوند دادن نام سومر با اقوام مغول - ترک بوده است. این گونه وجه تسمیه سازی را می توان برای نام هر مکانی تهیه کرد. حتی برای هریک از شهرهای کشور های ایالات متحده امریکا می توان وجه تسمیه ترکی فارسی و یا عربی درست کرد. برای نمونه:

میشیگان = مئشه + قان = جنگل خونین ، بیشه ی خونین !!

نیویورک = یورک (کوچ) + نیو = چرا او = چرا او کوچ می کند؟! و یا = بی او (او بیگ است) به معنی کوچ بزرگ، کوچ بیک» درست شده اند! به یقین، ایشان اگر تنها آگاهی کوچکی از تاریخ و زبان سومری داشتند، خود را به اشتباهات بزرگ اینچنینی دچار نمی ساختند. اگر دقت می فرمودند که در زبان سومری ها «آ» به معنی «سوب» = آب بوده است و برابر سومری واژه ی «زمین» نیز (ki) و کور /kur/ بوده است، چنین نوشته ای را رقم نمی زدند و سومری ها خودشان را *sag.gi6.ga* = سیاه سرها می نامیده اند که در آن، جزء *sag* به معنی سر و *gi6* به معنی سیاه می باشد (مقایسه شود با قره در زبان آذری) و زبان خودشان را *me-gi eme-gir15* = به معنی زبان سومری می گفته اند. در اکثر متون سومری واژه هایی را که به سومر ترجمه می گردد. عبارتند از: /ki-en-gi/ که به معنی سرزمین انگلی؟ است. و بندرت *ka-na-aĝ2; ka-naĝ* ، به معنی محل سومری ها.

به نظر می آید که نام «سومر» را دیگر اقوام (آکدیها) به آنان داده باشند. زیرا در نبشته های اکدی است که نشانه ی /*leme-gi* سومری، /*šumerituml*/ آوا نویسی می شود به معنی «زبان سومری» و همچنین واژه ی *mätu šmeri* اکدی به معنی «سرزمین سومر» بوده است. واژهایی که در نبشته

<p>En: maḥ-di An: ki: nir-ġal₂ ni₂-te-na a-a /: en-ki gud-dam A: ri-a: Am: gal-e : Tud-da/ mi₂ dug₄-ga kur gal ^den-lil₂-le ki aĝ₂ an kug-ga lugal ^{ĝis}meš₃ abzu-a du₃-a kur-kur-ta il₂-la ušumgal maḥ eridug^{ki}-ga gub-ba. ĝissu-bi an ki-a dul-la</p>	<p>ترجمه ی واژه به واژه عالیجناب مهست آسمان: زمین : بلند پرواز متکی به نفس خود: پدر: انکی گاو نر از سوی (در) بوجود آورده شد گاو وحشی زائیده شد. بزرگی اش گفته شد کوهستان بزرگ انلیل حای بزرگی «آن» پاک و مقدس شاه گیاه «مش» آپسو رشد کرد در همه جا ترقی کرد و پوشاند اژدهای تنومندی در اریدو به پای خواست سایه ی اش آسمان و زمین به هم پوشانید</p>	<p>ترجمه: پدر انکی عالیجناب نامدار همه ی زمین و آسمان از گاو نر پدید آمد از سوی گاو وحشی زائیده شد و از سوی انلیل گرامی داشته شد کوهستان بلند و بزرگ مورد محبت «آن» مقدس قرار گرفت شاه گیاه «مش» در شهر آپسو پروریده شد و تمام زمین را پوشانید اژدهای تنومند در شهر « اریدو» به پا خاست و سایه اش زمین و آسمان را در برگرفت.</p>
--	--	--

های سومری به واژه ی «سومر» نزدیکی آوایی دارند هیچ کدام علاقه ای با واژه های «سو» و «یثر» (16) یعنی آب و زمین ندارند. برای نمونه:

sumur₂-a₂ -² به معنی سایبان و آسمانه. *sub₂* = به معنی حمله و *su-ub* = مالیدن

su= 3 = به معانی درخت خرما و گوشت ، بدنه و...

نگارنده تا کنون در هیچ یک از نوشته های سومری، واژه ای که حداقل نزدیکی مفهومی را با آواهای واژه ی «پتر» = زمین و «سوب» = آب، داشته باشد ندیده ام.

ادامه دارد

بخش سوم این نوشتار به نام برخی نکات از ساختار و صرف در دستگاه زبان سومری خواهد بود

پاورقی ها و کتابنامه :

1- morphosyntax

2- زبانهای خاموش. ی. فردریش ص 71. ترجمه: دکتری. ثمره و دکتر ب. قریب.

3- ergative-absolutive = ارگاتیو حالتی که در برخی زبان ها در مفعول و فاعل در افعال لازم و متعدی وجود دارد. ergative (فاعل فعل لازم) به حالتی گفته می شود که در آن مفعول فعل متعدی بدون دگرگونی در معنی در نقش فاعل فعل لازم بکار برده می شود. این حالت در زبانهای گرجی، باسکی، بلوچی مکرانی، و... وجود دارد. در صفحات بعدی بیشتر به آن خواهیم پرداخت.

4- Mesopotamia میان دورود (بین النهرین)

5- در منظومه حماسی سومری به نام انمرکار و سرزمین ارته چنین آمده است «سرزمین های شوبورا و هامازوی و سرزمین چند زبانی سومر. سرزمین با شکوه و فرمانروایی و قوانین پاک و مقدس و کشور آموری سرزمینی که چیزهای شایسته فراوان دارد.

6- رجوع شود. ص 49. Thomsen, Marie-Louise. 1984. *The Sumerian Language: An Introduction to Its History and Grammatical Structure*. Copenhagen: Akademisk Forlag

7- دیدگاهی بحث برانگیز، همانند با نظریات آکادمیسن مار روسی، که در رابطه با خانواده های زبانی اوراسیای شمالی در 1903 از سوی «هولگر پترسون» Holger Pedersen زبان شناس دانمارکی ارائه گردیده بود. این دیدگاه زبانهای هند اروپایی و اورال-آلتایی و آفرو-آسیایی و چندین شاخه زبانی دیگر را در یک فهرست هیولایی هم منشاء گرد هم آورده. و برای آنها منشایی مشترک قرار می داد.

8- رجوع شود تامپسون (Thomsen) 1984. 59. *Sumerian Grammar from the perspective of its Proto-1998*. Patrick C. Ryan و *Language origin*. همچنین رجوع شود:

PROTO-LANGUAGE MONOSYLLABLES with their principal meanings by Patrick C. Ryan

9- زبان های agglutinating همانند، ژاپنی، کره ای، ترکی. اما یکی از تفاوت هایی که زبان سومری با زبان ترکی دارد، این است که ریشه ی افعال و اسم و صفت در زبان سومری تک هجایی است و در آخر فعل نیز می آید.

10- این توضیح ساده از پیوندی بودن زبان سومری است و گر نه کشف زبان سومری و ویژگی های صرفی دستوری آن، که با کوششهای پیشگامان دانش سومرشناسی همانند «ویسباخ» و دیگران آغاز شده بود، در مرحله ی ابتدایی خود به جهت پیچیدگی های که در زبان سومری وجود داشت، با بن بست روبرو شده بود. تنها با یافته شدن لوحه هایی دو زبانه بابلی سومری و که در مورد صرف دستور زبان سومری توسط کاهنان بابلی جهت آموزش زبان سومری در مدارس دینی، فراهم شده بود امکان پذیر شد...

* در یک گفتگوی تلویزیونی که در رابطه با زبان ترکی در کانال A.T.V وجود داشت شخصی ادعا می کرد که زبان های اتروسکی، و زبان سومری زیر مجموعه زبانهای ترکی می باشند و زبان سانسکریت و زبان باستانی مصری ها نیز واژه های زیادی را از زبان ترکی وام گرفته است. این مناظره سه ساعت به درازا کشید در پایان گرداننده ی تلویزیونی (هولکی جوینز اوغلی) تماسی با یکی از اساتید زبان های باستان دانشگاه استانبول برقرار نمود. استاد فوق گفته های ایشان را رد نمود و فرمودند: که شخص مدعی بیشتر نظرات اش را در قالب کتابی به دانشگاه ارائه کرده است، هنیت علمی دانشگاه نوشته های او را بررسی کرده و غیر علمی دانسته است. این مناظره یکی از رویارویی های علم با عامی نگرینها و احساسات ناسیونالیستی کاذب بود

12- Enmerkar and the lord of Aratta منبع (OB catalogue from Nibburu at Philadelphia: o.2.01. line 48 OB catalogue from urim(U2): catalogue in the lovre. 0.2.0.2 line 24 0.2.4. line 40 Enmerkar and the lord of Aratta. 1.8.2.3.

13- سومری ها اولین مردمان مسکن گزیده در بین النهرین نبوده اند. باستان شناسان در لایه های کهنتر از تمدن سومری ها در برخی شهرهای سومری با آثار تمدن های غیر سومری برخورد نموده اند بدین جهت اسامی شهر های سومری را نیز از جمله نیب پور و .. را غیر سومری می دانند. ر-ک تاریخ ماد دیاکونوف. و ر-ک 'Civilizations of the Ancient Near East, J.M.Sasson (ed.)', Vol. II, p.1219-p.1230, with further references

14- در اینکه چرا عنصر آهن برای تمدن های خاور نزدیک دیرتر از دیگر فلزات شناخته شد در صورتی که سنگ معدنی هماتیت «hematite» به دلیل سنگینی اش و ساختمان قرمز رنگ اش ویژه ای که دارد به آسانی قابل شناسایی است. می توان گفت شاید که حرارت کوره های دوران باستان به حدی نبوده است که سنگ آهن را به تمامی ذوب کند. در هر صورت برخی پژوهشگران تاریخ کشف آهن را به هیتی ها و هند اروپائیان نسبت می دهند.

15- همانند Pennsylvania Sumerian Dictionary. Pennsylvania Museum of Anthropology and Archaeology. The University of Pennsylvania

16- در رابطه با زمین و آب به منظومه Enki and the world order سطرهای اول و... و در رابطه با نام سومر سطرهای 192،205 و... همان منظومه و در منظومه ی کشتی نین لیل و شولگی (šulgi and Ninlil's barge (šulgi R) به سطر 55 و در منظومه سومری انمر کار و شاه ارته سطر 200 و 128 رجوع گردد. مثال:

ĝe₂₆-e-še₃-am₃ ^den-lil₂ ban₃-da ki-en-gi-ra-ke₄